عدم وجوب استهلال

شاگرد۲: از تعبیر «لیس علی المسلمین» می‌توان وجوب استهلال را فهمید. مانند اینکه می‌گویند «علیه بَدَنَة».

استاد: در کتب فقهی وقتی می‌خواستند بگویند استهلال واجب است، چه تعبیری داشتند؟ تعبیر ترائی داشتند. می‌گفتند ترائی واجب است یا نه؟ یک قولی داشت.

شاگرد: اقوال فعلاً منظورم نیست. از خصوص این روایت می‌خواهم استفاده کنم. از کلمه «علی».

استاد: «علیه» به‌معنای «یجب علیه الرؤیة» نیست. تناسب حکم و موضوع برای روزه است.

شاگرد: یعنی رؤیت برای استهلال.

استاد: «لیس علی المسلم» یعنی «لایجب علی المسلم صیام شهر رمضان الا بالرؤیة». این «باء» برای احراز موضوع است، نه اینکه برای وجوب باشد. و لذا بین مسلمین ترائی به‌معنای استهلال از صدر اول میخ آن کوبیده نشده که واجب باشد. می‌خواهم عرض کنم که مقدر در «الا الرؤیة»، «باء» است. یعنی برای مسلمان رؤیت محرز موضوع است. مکلف به زیادتر بر او نیست. واجب بودن محرز موضوع دلیل خاص می‌خواهد. صرف اینکه رؤیت محرز موضوع است، معلوم نیست که وجوب را استفاده کنیم.

شاگرد: «علیه» یعنی «علیه الصوم».

استاد: بله، یعنی به تناسب «علی المسلم» دارد تکلیف را می‌گوید، نه وجوب شهر مبارک را.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #1
ایجاد شده 19 مه 2026 12:39:56 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 مه 2026 12:40:50 توسط ... .